



۱۰

## واکنش معتمدآریا به

«پول‌های کلان بی‌شناسنامه در سینما»

## پیکاسوهای کرمانشاه

کودکان دبستان «آفرینش» کرمانشاه، کیهان کلهر را نقاشی کرده‌اند حالا همه «هیرود هقانی» را ستایش می‌کنند؛ خانم معلم بچه‌ها



نقد هفته

### این داستان

### روی خوش ندارد

مروری بر رمان «جوکس» نوشته محمد پروین

مریم بابایی

منتقد ادبیات

یک اتفاقی هم بیفتد، می‌خواهی مدام بالا و پایین را به هم بدوزی که

روی خوش داستان به سمت بچرخد.» جوکس با این جمله آغاز می‌شود و با همین جمله به خواننده نوید داستانی پر اتفاق را می‌دهد، اما به او تلنگر می‌زند که منتظر اتفاق خوب یا روی خوش داستان نباشد و اتفاق اصلی داستان، کم‌شدن امیر را، همان یکی دو صفحه اول رو می‌کند. راوی از همان آغاز، تکلیفش را با مخاطب روشن می‌کند. شخصیت‌های داستان، جوان‌های دانشجوی دهه ۹۰ هستند.

نویسنده در جوکس به موازات جست‌وجوی راوی برای دوستش امیر و ساختن شخصیت او و اطرافیان، قصد بیان دغدغه‌ها و مشکلات جوانان بیست و چند ساله تهرانی در این سال‌ها را دارد. برای نمایش و ساخت داستان، از دو عنصر زبان و شهر تهران بهره می‌گیرد. زبان شخصیت‌های داستان مثل زندگی‌هایشان پرپیچ و تاب است و برای خوانندگانی از یک نسل (و حتی یک دهه) قبل در اولین خوانش سخت به نظر می‌رسد.

با پیش‌رفتن داستان، اتفاقات، ماجراها، دغدغه‌ها و مشکلات جوانان هم‌نسل نویسنده نیز نشان داده می‌شود. از اولین درگیری‌ها با حراست دانشگاه تا آخرین مشاجره با پدر امیر شاهد ناسازگاری و عدم‌درک متقابل و سوءتفاهم میان شخصیت‌های اصلی داستان و اطرافیان‌شان، چه هم‌نسل خودشان و چه از نسل‌های دیگر هستیم. این مشاجرات و درگیری‌ها تاز و خورد در مهمانی و احتمال مرگ پسری که در مهمانی با راوی درگیر شده است، پیش‌رفته و هر یک زوایای جدیدی از شخصیت راوی، سینا و امیر به خواننده نشان می‌دهند. راوی در تمام طول داستان، میان انتخاب ماندن و جست‌وجوی دوستش و شانه‌خالی‌کردن از بار مسؤولیت در برابر او در نوسان است.

شخصیت امیر و روایت هر یک از شخصیت‌های داستان از او، یادآور داستان «فیل در خانه تاریک» است. هر یک از این افراد، انگار فرد متفاوتی را می‌شناسند.

خواننده در طول داستان با شخصیت‌ها در این شناخت جدید از او و در شگفتی‌شان از کارهای عجیبی که انجام داده و در شوک پایان داستان همراه می‌شود. نکته جالب توجه دیگر، استفاده از عناصر شهری تهران برای فضاسازی و حتی شخصیت قائل شدن برای این عناصر شهری است. تا جایی که از زبان راوی می‌خوانیم: «مدرس هم با همه زیبایی‌ش گاهی مثل من یک اتوبان غمگین می‌شود.» هر منطقه‌ای از شهر که اتفاقات داستان در آن پیش می‌رود، متناسب با شناخت و باور عمومی از آن منطقه و اهالی آن در وقایع داستان درگیر می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۱



## سیاهپوستان

در راه تسخیر هالیوود

# فرهنگ

یکشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۷ :: شماره ۵۲۹۲

امروز چی داریم؟

### بالاخره فلسطین

### یا اسرائیل؟

نمایشگاهی در باغ‌موزه

قصربرگزارشدکه پوستر

یک هنرمند اسرائیلی هم

آجا بود. رقتیم سرراغ این‌که ماجرای

این پوستر چه بوده است. در

نمایشگاه اعلام شده بود این اثر کار

یک هنرمند فلسطینی است اما...

بالاخره ماجرا روشن شد و کار این

هنرمند اسرائیلی از روی دیوار پایین

کشیده شد. محمدصادق علیرزاده

امروز سرراغ این موضوع رفته و مفصل

بررسی کرده، گزارش را می‌توانید در

همین صفحه بخوانید.

هفته گذشته سازمان

سینمایی فهرست

بلندبالایی منتشر کرد از

اهالی رسانه که برای حضور در سی و

هفتمین جشنواره فیلم فجر ثبت نام

کرده‌اند. چند فهرست دیگر هم

به همین شکل منتشر شده و ظاهرا

قرار است سیاست شفاف‌سازی با

حضور حسین انتظامی در سازمان

سینمایی شدت بیشتری به خود

بگیرد. ما به عنوان بخشی از اهالی

رسانه از این شفاف‌سازی‌ها استقبال

می‌کنیم و آن را اتفاق خوبی می‌دانیم،

به همین خاطر هم از سازمان

سینمایی تقاضا داریم همین حالا که

شفاف‌سازی را به‌عنوان یک امر

پسندیده شروع کرده، آن را در

مسیرهای دیگری هم پیش ببرد و

درباره جشنواره فجر هم موارد را شفاف

اعلام کند. یکی از مواردی که هیچ

دوره‌ای اعلام نشده فهرست

شرکت‌کنندگان در جشنواره است. در

حالی که معرفی همه شرکت‌کنندگان و

فیلم‌ها در جشنواره می‌تواند اتفاق

مهمی باشد که خط مشی داوران و

نظرات آنها را هم مشخص کند. امروز

صفحه ۱۰ گروه سینمایی به این

موضوع پرداخته است.

کیهان کلهر، نقاشی‌های

بچه‌های یک مدرسه در

کرمانشاه را روی صفحه

اینستاگرامش منتشر کرده است.

بچه‌ها این استاد موسیقی را نقاشی و

برایش ارسال کرده‌اند. تا حس خوبی که

از او آتش‌بار دارند را با این نقاشی‌ها

نشان دهند. کلهر هم تصویر این

نقاشی‌ها را منتشر کرده تا ما را در حس

خوب آنها شریک کند. ما هم که دیدیم

ماجرای این‌طور پیش رفته و نقاشی‌ها

هم در فضای مجازی با اقبال خوبی

مواجه شده، رقتیم سراغشان و به این

پرداختیم که مدرسه کرمانشاهی، معلم

و دانش‌آموزانش چه ماجرای دارند و

چطور این اتفاق جذاب را رقم زده‌اند.

این گزارش را صابر محمدی، خبرنگار

خوش‌قلم گروه‌مان نوشته و می‌توانید

از خواندنش در صفحه ۱۱ امروز حسابی

لذت ببرید.

سینمای جهان هم مثل

همیشه با کلی گزارش و

خبر جذاب در صفحه ۱۲

منتظران است.

کیکاووس زیاری رفته سرراغ راه پرفراز

و نشیب فیلمسازان سیاهپوست و

سختی‌هایی را که پشت سر گذاشته‌اند

بررسی کرده، آخرش هم رسیده به

این‌که آنها حالا در روزهای اوج کار

خود به‌سر می‌برند و سینمایشان

رونق دارد. سینمای هند هم نقش

پررنگی دارد و خبرهایی از آزیل کاپور،

عامرخان و شاهرخ خان منتشر

شده که می‌توانید آنها را بخوانید و

در جریان اتفاقات سینمای جهان



نمایی از فیلم «ژان خوک» ساخته سعید سهیلی که از نمایان جشنواره امسال است



سازمان سینمایی فهرست کامل فیلمسازان

وفیلم‌های متقاضی حضور در جشنواره فیلم فجر را منتشر کند

# پروژکتور روی لیست همه فیلم‌ها

همین چند روز پیش هم سازمان سینمایی در قالب یک فهرست، بخشی دیگر از بودجه سازمان سینمایی و فهرست حمایت از موسسات زیرمجموعه خود یعنی بنیاد سینمایی فارابی، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، موسسه رسانه‌های تصویری، موزه سینما و موسسه هنر و تجربه به تفکیک از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۶ را منتشر کرد.

ادامه در صفحه ۱۰

سرپرست این مجموعه شدت و قوت گرفته است. اوایل همین ماه بود که سازمان سینمایی فهرست ۶۱ فیلم تولید امسال را به همراه اسامی سرمایه‌گذاران و سهم هر یک از آنها اعلام کرد. هرچند ابهامات و سؤالاتی درباره این فهرست وجود داشت و همچنان هم به قوت خود باقی است، اما نفس انتشار آن را باید اقدامی مهم و ارزشمند و روشنگرانه دانست.

ظاهرا ضرب‌المثل «آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه پاک است»، شده حکایت این روزهای سازمان سینمایی وزارت ارشاد. آن سیاست شفاف‌سازی فعالیت‌ها که در این چند ماه اخیر در سازمان سینمایی به شکلی علنی بروز کرده، با انتصاب حسین انتظامی به عنوان

گروه

سینما

نمایش اثر یک طراح اسرائیلی در نمایشگاهی در تهران می‌رفت که حاشیه‌ساز شود

# کارت قرمز به پوستر اسرائیلی



محمدصادق علیرزاده

فرهنگ‌هنر

وسط این همه گربه‌رقصانی‌های چند وقت اخیر اسرائیلی‌ها که دنبال آب کردن یخ قبیح ارتباطات غیرسیاسی بین ایرانیان و صهیونیست‌ها هستند، انتشار یک خبر نصفه و نیمه کافی بود که نشان دهد قصه، حداقل به آن سادگی نیست که

صهیونیست‌ها فکر می‌کنند: «حضور یک صهیونیست در قلب تهران!» حالا این‌که این حرف چقدر درست است و چقدر نادرست را در ادامه ماجرا می‌رویم سراغش ولی واکنش‌هایی که به همین خبر نیمه راست - نیمه نراست شد را بگذارید کنار خوش رقصی اسرائیلی‌ها - از راه‌اندازی حساب کاربری فارسی در شبکه‌های اجتماعی گرفته تا پیام‌هایی که بنیامین نتانیاهو هر از چندی برای ایرانیان می‌فرستد، تا متوجه شوید این قضیه بین ایرانی‌ها چقدر سنگین و تابوست و یخ هم نیست که آب شود.

قضیه به نمایشگاه بین‌المللی «به رنگ حیات» برمی‌گردد. طبق اطلاعاتی که خود فرهنگسرای ارسباران منتشر کرده، افتتاحیه این نمایشگاه پنجشنبه هفته گذشته یعنی سیزدهم دی‌ماه در باغ‌موزه قصر برگزار شده است. مجری اصلی نمایشگاه فرهنگسرای ارسباران بوده و اصلا به همت آنها هم بوده که پوسترهای این نمایشگاه روی دیوارهای باغ‌موزه در معرض نمایش قرار گرفته است. در این نمایشگاه هم آثار گرافیک‌هایی از کشورهای جهان حضور داشتند. دقیقش را بخواهید نام‌شان هم در پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگسرای ارسباران درج شده. این وسط اما یک نام حاشیه‌ساز شد: **یوسی لم!**

اول برگردیم به واکنش‌هایی که به این خبر جنجالی شد. تقریباً از همان ساعات اولیه دیروز بسیاری از رسانه‌ها به این خبر واکنش نشان داده و آن را منتشر کردند و در ادامه ماجرا آتش‌آفتقد شورش شد که بعضی از

رسانه‌ها و کانال‌ها تلگرامی از «حضور یک گرافیک‌ست اسرائیلی» در تهران خبر می‌دادند. متأسفانه این قضیه به کانال‌های بی‌نام و نشان تلگرامی محدود نشد و حتی یکی از خبرگزاری‌های رسمی کشور که برای پیگیری ماجرا سرراغ مسؤولان برگزار می‌نمایند رفته بود با چنین تیتیری، مصاحبه خود را روی خروجی فرستاد، «واکنش مدیر برگزارکننده یک نمایشگاه به حضور گرافیک‌ست اسرائیلی در تهران». جالب آنکه در واقعیت ماجرا خبری از حضور گرافیک‌ست‌ها نبود و صرفاً آثار آنها در یک نمایشگاه روی دیوار رفته بود. هرچند نفس این واکنش‌ها فارغ از درست بودن یا نبودن ماجرا، نشان از حساسیت افکار عمومی و رسانه‌ها به ریختن قبح ارتباط با صهیونیست‌هاست اما کاش همکاران ما برای پیگیری سوزه، آن را با دقت بیشتری دنبال کنند.

پیگیری در جیک‌تانیه

فارغ از این‌که گرافیک‌ست اسرائیلی در تهران حضور

نداشت اما پیگیری ما در جام‌چم حاکی از آن بود که اصل قضیه (نمایش آثار یک گرافیک‌ست اسرائیلی در یک نمایشگاه در تهران) حقیقت دارد. این موضوع نه تنها در پیش‌خبری وجود داشت که روابط عمومی فرهنگسرای برای رسانه‌ها فرستاده بود بلکه در خبری در پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگسرای ارسباران هم به چشم می‌خورد. بماند که مسؤولان فرهنگسرا بعد از ساعتی نام جناب لم را از متن خبری که روی سایت فرستاده بودند، حذف کردند.

پیگیری‌های جام‌چم از مسؤولان فرهنگسرا از روابط عمومی گرفته تا معاون، حاکی از آن بود که هرچند نمایشگاه به همت و پیگیری ارسباران برگزار شده اما آثار از مجرا و کانال یک گرافیک‌ست ایرانی به نام محمد اردلانی گذشته و روی دیوار نمایشگاه قرار گرفته است. کسی که خودش هم در این نمایشگاه صاحب اثر است. در تماشای که با فراهانی معاون فرهنگسرا داشتیم، وی ضمن اعلام این نکته که دیگر اثری از

## زوم

Yossi Lemel was born in Jerusalem, Israel

جمله بالا عبارتی است که لم در سایت شخصی خودش نوشته و معرفی خودش را با آن آغاز کرده. طبق این جمله او خودش را اهل «اسرائیل» معرفی می‌کند. برخلاف مطلبی که به او نسبت داده شده او یک یهودی ضدصهیونیست نیست، بلکه از نگاه جناب لم، سرزمین‌های اشغالی که تا همین نیم قرن پیش فلسطین نام داشت باید بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها تقسیم شود. حالا این‌که این نگاه چطور می‌شود یک نگاه «ضدصهیونیستی» تعبیر شود، بماند. نکته جالب‌تر این‌که جناب لم در صفحه شخصی اینستاگرامش تصویر پوسترکی که برای شرکت در این نمایشگاه در تهران ارسال کرده را هم منتشر و برایش چنین نوشته:

My poster for "Water is Life", International invitational Poster Exhibition in the museum of Tehran, Iran

دقت